

زیربازارچه

کوچ سایه‌ای بزرگ از سر فرهنگ «فولکلور» ایران



● **هنگامه مفید**

● از لحظه‌ای که خبر تاسف‌انگیز درگذشت مرتضی احمدی را شنیدم، اصلا حالم خوش نیست. واقعا سایه‌ای بزرگ از سر فرهنگ «فولکلور» ما کوچ کرد. با او سال‌هاست آشنایی دارم به دلیل آنکه احمدی با پدر مرحومم (غلامحسین مفید) و برادر (بیزن مفید) آشنایی و دوستی داشت. همچنین خودم افتخار همکاری در دو کار را با مرتضی احمدی داشته‌ام. یکی به طور غیرمستقیم بوده و الان حضور ذهن ندارم، شاید دوبله کاری بوده است. اما دومی مربوط به یک سریال تلویزیونی ۴۴قسمتی می‌شد که چند سال پیش به نویسندگی و کارگردانی خودم به نام پیچپه‌های کوچک دوستی برای شبکه تلویزیونی قرآن و به تهیه‌کنندگی سید افضل میرلوحی انجام شد. قسمت بود که در خدمت این بزرگوار باشیم. شاید برخی بپندارند که او با یادآوری خاطراتش از تهران آخرین بازمانده خاطرات تهرانی‌ها باشد اما من معتقدم او آخرین بازمانده خاطرات تمام ایرانی‌هاست چون فرهنگ ما را به ما یادآوری می‌کرد. ما در کنار ایشان بسیار محترم دیده می‌شدیم چون نوع برخوردش بسیار بزرگوارانه بود و ما لذت می‌بردیم از این همه توجه و احترامش به صحنه نمایش. چون ما نمایشی هستیم حتی کار تلویزیونی را هم به دور از صحنه به شمار نمی‌آوریم. ما در این سریال هر لحظه با نکته‌های تازه‌تر مرتضی احمدی می‌توانستیم با انرژی بیشتری کار را ادامه دهیم. به خانواده‌اش تسلیت می‌گویم چون سخت است از دست دادن عزیزی که جایگزینی نداشته باشد. مطمئنا برخی هستند که اصلا جایگزینی ندارند و مرتضی احمدی با این همه هنر بی‌بدیل حتما جایگزین ندارد.

معتبرترین تهرانی در «چنارستان»



● **هادی آفریده**

● من فکر می‌کنم و اگر اشتباه نکرده باشم؛ حضور مرتضی احمدی در فیلم مستند «چنارستان»، آخرین حضورش مقابل دوربین باشد البته پس از آن به دلیل کسالت و کپه‌وات سن و بیماری دیگر نتوانست چنین فعالیتی داشته باشد. ما فیلمبرداری را بهار ۹۲ در تهران آغاز کردیم و در سال ۹۱ برای انجام تحقیقات به سراغ مرتضی احمدی رفتم. او سال‌ها در زمینه فولکلور تهران پژوهش کرده بود و خودش منبع و مرجعی مستند و مستدل و معتبر بود که می‌شد از او به‌عنوان نفرنسی معتبر برای جان‌بخشی به فیلممان استفاده کنیم. همچنین نیاز به راهنمایی و مشاوره او داشتیم که هیچ نکته‌ای را از ما دریغ نکرد. من البته به دلیل دوستی ما با بهرنگ بقایی، نوه مرتضی احمدی، سال‌ها با او آشنا بودم و شاید از سال ۷۹ مدام او را می‌دیدم اما مهم‌ترین اتفاق همین همکاری در ساخت مستند چنارستان بود. او در دو نقطه طلایی فیلم حضور دارد؛ یکی سکانس اول و دوم سکانس پایان. این حضور به لحاظ فرم، تأثیرگذار بود. همچنین پذیرندگی‌اش از سوی مخاطب می‌طلبید که چنین حضوری را به لحاظ ساختاری برایش تعریف کنیم. سکانس اول را در قهوه‌خانه آذری‌ها و میدان راه‌آهن گرفتیم و سکانس پایانی سریل تجریش بود. ما باید خط روایت خیابانی را حفظ می‌کردیم و هیچ‌کس به انداز آفریده‌ای احمدی نمی‌توانست روایتگر وقایع منجر در این دو خط باشد. ما باید به چنارهای خیابان ولیعصر (پهلوی سابق) می‌پرداختیم و او مستندترین فردی بود که می‌توانست لحظه‌لحظه این خیابان را به ما واگویی کند. او ترانه‌های تهران را به فرم، تأثیرگذار بود. همچنین پذیرندگی‌اش از شنیدن دارد و تمام زندگی‌اش با خاطرات سیاسی و اجتماعی روزگار سپری‌شده بر او برپامن بازتابی دقیق و مستند خواهد داشت. نادران احمدی هم به گرمی و صمیمانه ما را از آنچه باید آگاه می‌کرد؛ اطلاعاتی که چون گنجینه می‌توانست در اختیارمان قرار بگیرد. احمدی در دقیقه دو فیلم چنارستان با مردم و درباره مردم می‌گوید اما او چندان هم برایش راحت نبود که مقابل دوربین بیاستد و حرف بزند. در قهوه‌خانه آذری به یاد روزهای حضور منتقدین در ایران افتاد که سربازان آلمانی به زنان ما بی‌احترامی می‌کردند و در آن زمان نبود آرد و کرم‌خوردگی آردهای انبارشده و پختن همان آرد‌ها خاطرات تلخی بود که برپایمان باژگو می‌کرد. در تجریش هم وقتی از او پرسیدیم که از چنار امامزاده صالح نگفتید؟ هر دو دستش را به عصایش تکیه داد و رو به امامزاده‌صالح کرد. من در ویزور دوربین چشمان بغض‌اللودش را دیدم و پیش از آغاز فیلمبرداری به‌ما گفت: ما زخمی از آن روزها داریم که وقتی به امامزاده‌صالح می‌آیم با دیدن جای خالی چنار امامزاده صالح، انگار رویش نمک بیافشند. در پایان آرزو می‌کنم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دادن مجوز به رمان‌ها و کتاب‌های چاپ‌نشده‌اش همکاری کند.

ساعتی مانده به شب پلدای ۹۳، «مرتضی احمدی» با پاییز همسفر شد. این هنرمند پیشکسوت که دیگر همه او را به‌عنوان «صدای طهران» می‌شناختند، قبل از ظهر یکشنبه ۱۳۰۳آذر به دلیل مشکل ریوی در منزلش درگذشت. احمدی در خاطره تک‌تک ایرانی‌ها جا داشت. او را از کودکی به یاد داریم. از فیلم «حسن‌کچل» که راوی قصه بود؛ با آن صدايي که که در خاطر هر شنونده‌ای می‌ماند. همچنین دوبله روباه مکار در کارتون پینوکیو، یکی دیگر از کارهای ماندگار اوست. احمدی در کتاب «من و زندگی» درباره خودش نوشته: «دهم آبان‌ماه سال ۱۳۰۳ در جنوبی‌ترین نقطه تهران در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم. پدرم سقظفروشی داشت و به قول قدیمی‌ها ددشش به دهنش می‌رسید. درست است که پدر و مادرم در تهران زندگی می‌کردند و در همین شهر با هم ازدواج کردند، ولی اصلا تفرشی هستیم و هیچ‌گاه ارتباطمان را با زادگاه خوش‌آب‌و‌هوای تبارمان قطع نکردیم.» در طول آن سال‌ها، در تئاتر، سینما، رادیو و تلویزیون به شهرت رسیده و در زمره مشهورترین بازیگران نمایش‌های رادیویی درآمده بود. صراحت لهجه و حاضر جوابی او زبانزد بود. تنها یک هنرمند را می‌توان را به این مقام با او مقایسه کرد و آن زنده‌یاد «منوچهر نودری» است که هردو در رادیو به اوج رسیدند. طنازی تمام با قیافه حق‌به‌جانب او، هر مخاطبی را غافلگیر می‌کرد. از همین‌رو، خاص بود. در مقام بازیگر، بازی‌هایش همواره دلنشین بود و در مقام صداییشه، صدایش به‌یادماندنی. در آخرین گفت‌وگویی به «شرق» گفته بود: «همه چیز برای من از سال ۱۳۲۲ آغاز شد؛ سالی سراسر اقبال که تمام سال‌های بعد را زیر تأثیر خود گرفت و من را به جایی رساند که اینک هستم.» منظورش قبول‌شدن در آزمون «صدای» وزارت فرهنگ و هنر در آن سال است که از این رهگذر توانست به صحنه تئاتر راه یابد و پیش‌برده‌خوان ۱۹ساله‌ای شود که صدایش سحر می‌کرد و همین سبب شد که به صدایشکی در سینما نیز روی آورد. او به‌همراه مجید محسنی، حمید قنبری، جمشید شبیانی و عزت‌الله انتظامی تا سال ۱۳۳۱ جزو پیش‌برده‌خوانان بنام پایتخت بودند.

او سال ۱۳۲۶ جزو اولین کسانی بود که به دوبله فیلم سینمایی در ایران می‌پرداختند و مدیریت آن با عطا‌الله زاهد و پرویز خطیبی بود. همان سال‌هاست که «ضربی‌خوانی» را آغاز می‌کند. او در این‌باره گفته: «از قدیم شرق؛ تماشاگران فیلم‌های کیارستمی، این‌بار ایرانی بودند. هموطنان این کارگردان ایرانی پس از سال‌ها توانستند دو فیلم از او را بر پرده سینماها ببینند. البته این تجربه، محدود به علاقه‌مندان سینما نبود. اگر از اکران فیلم «شیرین» که در سال۸۷ ساخته و تنها در چند سینما اکران شد بگذریم، آخرین فیلم نمایش‌داده‌شده از کیارستمی را باید «طعم گilas» در سال۹۶آذر اکران کرد. او طی این سال‌ها آثار دیگری نیز ساخته است که با وجود موفقیت در جشنواره‌های مختلف، در سینماهای ایران به نمایش درنیامده بود. به همین دلیل هم خبر نمایش دو فیلم «لباسی‌برای‌عروسی» و «مسافر» گروه «هنر و تجربه» به‌عنوان شکست طلسم اکران آثار این کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و عکاس قلمداد شد. این دو فیلم به زمان حضور کیارستمی در کانون پرورش‌فکری کودکان و نوجوانان و روزهای آغازین فیلم‌سازی او بازمی‌گردد. کیارستمی که عصر شنبه، ۱۲۹آذرماه به مناسبت نمایش این فیلم‌ها به پردیس سینمایی کورش آمده بود، سخنانی پیش از نمایش فیلم «مسافر» به همین مناسله اشاره کرد: «طبیعتا فیلم، مشکلات تکنیکی زیادی دارد. البته هرچه به تکنیک مسلط‌تر می‌شویم حس‌وحال کار کمتر می‌شود. ای‌کاش این تجربه را در سینما به دست نیاورده بودم تا خام‌دستی را که در «مسافر» بود، هنوز هم داشتم.»

او که از حاضران خواست تا معایب فیلم را به‌عنوان حسن آن در نظر بگیرند، از فرصت پیش‌آمده برای نمایش این دوائر استقبال کرد: «خوشحالم درنهایت پس از ۴۰سال توانستم این فیلم را همراه با مخاطبانم ببینم. من از زمان ساخت تاکنون نتوانستم این فیلم را ببینم و هربار که قرار به نمایش آن بوده، به‌نجوی مشکلاتی پیش آمده که مانع نمایش این فیلم می‌شده

با اکران «لباسی برای عروسی» و «مسافر» صورت گرفت

«کیارستمی»؛ دوباره در تهران

شرق؛ تماشاگران فیلم‌های کیارستمی، این‌بار ایرانی بودند. هموطنان این کارگردان ایرانی پس از سال‌ها توانستند دو فیلم از او را بر پرده سینماها ببینند. البته این تجربه، محدود به علاقه‌مندان سینما نبود. اگر از اکران فیلم «شیرین» که در سال۸۷ ساخته و تنها در چند سینما اکران شد بگذریم، آخرین فیلم نمایش‌داده‌شده از کیارستمی را باید «طعم گیلان» در سال۹۶آذر اکران کرد. او طی این سال‌ها آثار دیگری نیز ساخته است که با وجود موفقیت در جشنواره‌های مختلف، در سینماهای ایران به نمایش درنیامده بود. به همین دلیل هم خبر نمایش دو فیلم «لباسی‌برای‌عروسی» و «مسافر» گروه «هنر و تجربه» به‌عنوان شکست طلسم اکران آثار این کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و عکاس قلمداد شد. این دو فیلم به زمان حضور کیارستمی در کانون پرورش‌فکری کودکان و نوجوانان و روزهای آغازین فیلم‌سازی او بازمی‌گردد. کیارستمی که عصر شنبه، ۱۲۹آذرماه به مناسبت نمایش این فیلم‌ها به پردیس سینمایی کورش آمده بود، سخنانی پیش از نمایش فیلم «مسافر» به همین مناسله اشاره کرد: «طبیعتا فیلم، مشکلات تکنیکی زیادی دارد. البته هرچه به تکنیک مسلط‌تر می‌شویم حس‌وحال کار کمتر می‌شود. ای‌کاش این تجربه را در سینما به دست نیاورده بودم تا خام‌دستی را که در «مسافر» بود، هنوز هم داشتم.»

او که از حاضران خواست تا معایب فیلم را به‌عنوان حسن آن در نظر بگیرند، از فرصت پیش‌آمده برای نمایش این دوائر استقبال کرد: «خوشحالم درنهایت پس از ۴۰سال توانستم این فیلم را همراه با مخاطبانم ببینم. من از زمان ساخت تاکنون نتوانستم این فیلم را ببینم و هربار که قرار به نمایش آن بوده، به‌نجوی مشکلاتی پیش آمده که مانع نمایش این فیلم می‌شده

او با بیان اینکه گروه سینمایی «هنر و تجربه» به‌عنوان شکستن طلسم اکران آثار این کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و عکاس قلمداد شد. این دو فیلم به زمان حضور کیارستمی در کانون پرورش‌فکری کودکان و نوجوانان و روزهای آغازین فیلم‌سازی او بازمی‌گردد. کیارستمی که عصر شنبه، ۱۲۹آذرماه به مناسبت نمایش این فیلم‌ها به پردیس سینمایی کورش آمده بود، سخنانی پیش از نمایش فیلم «مسافر» به همین مناسله اشاره کرد: «طبیعتا فیلم، مشکلات تکنیکی زیادی دارد. البته هرچه به تکنیک مسلط‌تر می‌شویم حس‌وحال کار کمتر می‌شود. ای‌کاش این تجربه را در سینما به دست نیاورده بودم تا خام‌دستی را که در «مسافر» بود، هنوز هم داشتم.»

او که از حاضران خواست تا معایب فیلم را به‌عنوان حسن آن در نظر بگیرند، از فرصت پیش‌آمده برای نمایش این دوائر استقبال کرد: «خوشحالم درنهایت پس از ۴۰سال توانستم این فیلم را همراه با مخاطبانم ببینم. من از زمان ساخت تاکنون نتوانستم این فیلم را ببینم و هربار که قرار به نمایش آن بوده، به‌نجوی مشکلاتی پیش آمده که مانع نمایش این فیلم می‌شده



عکس هنر

هنر

درگذشت مرتضی احمدی

«صدای طهران» خاموش شد

رضا آشفته



عکس هنر

گفته‌اند که با یک‌دست نمی‌توان دو هندوانه برداشت. اما من نتوانستم با یک دست چند هندوانه بردارم. این بازیگر برجذب‌وجوش، هیچ‌گاه از پای ننشست. در تمامی این سال‌ها مدام پرکار بود. بازیگری در سینما و تلویزیون و به‌جاگذاشتن خاطره در چشم مخاطبان، از او نزد علاقه‌مندان، هنرمندی محبوب ساخت. رفته‌رفته که سنش بالا رفت، به این نتیجه رسید که حاصل آن همه مشاهده و تجربه را باید در چند مجلد گرد آورد. دست‌به‌کار شد و در

فرانک آرتا: **مرتضی احمدی در آخرین ساعت‌های**

آذر در ۹۰سالگی با پاییز همسفر شد. او جدا از بازیگری در تلویزیون، سینما و تئاتر، صدای خوبی داشت. مخصوصا برای نسل ما که از کارتون پینوکیو خاطرات خوبی دارد. صدای روباه مکار که همان صدای مرتضی احمدی است. یادآور روزهای شیرین کودکی ماست. از جمله فعالیت‌های دیگر زنده‌یاد احمدی گردآوری و نگارش فرهنگ عامیانه تهران بود. او که در تهران‌شناسی خیره بود. در فیلم مستند «چنارستان» به کارگردانی هادی آفریده از تهران قدیم گفت. دیگرهنر مرتضی احمدی تسلط بر پیش‌برده‌خوانی» بود که چندنفر در ایران در این مستند «چنارستان» به کارگردانی هادی آفریده از تهران قدیم‌اش با «صدای طهران» گفت.

● **همکاری شما با مرتضی احمدی به چه زمانی برمی‌گردد؟**

همکاری من با ایشان به دوران جوانی و سال‌های پیش از انقلاب برمی‌گردد. درحقیقت آن زمان که در خیابان لاله‌زار، تئاترهای مختلف به نمایش درمی‌آمد، هنر معروفی وجود داشت به نام «پیش‌برده‌خوانی». پیش‌برده‌خوانی هم پایه‌های هنری زیبایی داشت. البته موسیقی عامیانه علاوه بر آنکه با بسیاری از متن‌های نمایشی درآمیخته، به طور جداگانه نیز در قالب «پیش‌برده‌خوانی» روی صحنه اجرا می‌شد. معمولا قبل از نمایش شعرهای فکاهی و طنز توسط هنرپیشه خوانده می‌شد که بیشتر مایه‌های انتقادی داشت. آن زمان‌ها من در تئاتر فرهنگ در خیابان لاله‌زار «پیش‌برده»



عکس هنر

عادل فردوسی‌پور:
جامعه هنری، قدر مرتضی احمدی را ندانست
برنامه داشتند که آن استقبال و دوست‌داشتنی‌شدن برنامه به‌خاطر حضور آقایمرتضی احمدی بود. فردوسی‌پور با اشاره به ارتباط مداوم خود با احمدی، افزود: «مدام با آقایمرتضی احمدی در تماس بودم و وقتی پرسپولیس می‌برد یا می‌باخت با هم درباره بازی‌ها صحبت می‌کردیم. آخرین‌بار برنامه داشتند که آن استقبال و دوست‌داشتنی‌شدن برنامه به‌خاطر حضور آقایمرتضی احمدی بود. فردوسی‌پور با اشاره به ارتباط مداوم خود با احمدی، افزود: «مدام با آقایمرتضی احمدی در تماس بودم و وقتی پرسپولیس می‌برد یا می‌باخت با هم درباره بازی‌ها صحبت می‌کردیم. آخرین‌بار

برنامه داشتند که آن استقبال و دوست‌داشتنی‌شدن برنامه به‌خاطر حضور آقایمرتضی احمدی بود. فردوسی‌پور با اشاره به ارتباط مداوم خود با احمدی، افزود: «مدام با آقایمرتضی احمدی در تماس بودم و وقتی پرسپولیس می‌برد یا می‌باخت با هم درباره بازی‌ها صحبت می‌کردیم. آخرین‌بار

کهنه‌های همیشه نو

عاشق ایران



● **داود رشیدی**

● **بازیگر**

● بار دیگر یکی از هم‌نسلانم را از دست دادم و از این بابت متأسفم. مرتضی احمدی، هنرمندی شیرین و فعال در رشته‌های مختلف فرهنگی و می‌توان گفت منحصربه‌فرد بود. علاقه و عشق او به رسم و رسوم ایرانی نکته جالب‌توجه کارنامه او است. قطعا من به‌دلیل فعالیت‌های صنفی با هنرمندان بسیاری در ارتباطم و مرتضی احمدی هم همیشه به من لطف داشت. مدتی قبل مرضیه برومند به عیادت او رفته و مرتضی احمدی عزیز حال مرا از او پرسیده بود. باید به جامعه هنری بابت ازدست‌رفتن او تسلیت گفت؛ همچنین به خانواده، مخصوصا دختر و نوه عزیزش.

هفت جهان

نامزدهای خارجی ۲۰۱۵ معرفی شدند

نه «اسکار» به «امروز» ایران

● **امیر محقق:** شمارش معکوس «اسکار» ۲۰۱۵ با واژه «شگفتی» برای سینمای ترکیه و «قابل‌پیش‌بینی» برای سینمای ایران همراه بود. روز جمعه در حالی «فهرست کوتاه‌شده»۹فیلم حاضر در بخش فیلم‌های خارجی زبان «اسکار» اعلام شد که «خواب زمستانی» فیلم برنده نخل طلای کن اسمال در این فهرست قرار نداشت. اما برخلاف سال گذشته و غیبت معنادار فیلم فرهادی در این رقابت، «شگفتی» واژه‌ای نبود که برای توصیف غیبت فیلم «امروز» رضا میرکریمی در «فهرست کوتاه‌شده» «اسکار» بهترین فیلم خارجی به‌کار برد و از این‌رو، «قابل‌پیش‌بینی» واژه‌ای دقیق‌تر در توصیف این غیبت بود. اما «فهرست کوتاه‌شده»، «اسکار» بهترین فیلم خارجی «اسکار» ۲۰۱۵ شامل ۹فیلم انتخاب شده از بین ۸۳فیلمی است که از کشورهای مختلف برای آکادمی «اسکار» فرستاده شده بود. «آیدا» از لهستان، «لوباتان» از روسیه، «فورس ماژور» از سوئد، «نارنگی‌ها» از استونی، «جزیره ذرت» از گرجستان، «داستان‌های وحشی» از آرژانتین، «متهیم» از هلند، «آزادی‌بخش» از ونزوئلا و «تیموکتو» از موریتانئ (اولین فیلمی که از این کشور به «اسکار» فرستاده شده) فیلم‌های نامزد شده در این بخش هستند. این ۹فیلم در نهایت به پنج‌فیلم خواهد رسید تا از بین آنها برنده «اسکار» بهترین فیلم خارجی برگزیده شود. به غیر از «امروز» که عنوان نماینده رسمی ایران را بدک می‌کشید دیگر اعضای سینمای ایران نیز به عنوان نماینده‌های دیگر کشور به «اسکار» رفته بودند. فیلم «چندمتکعب عشق»، ساخته جمشید محمودی به‌عنوان نماینده افغانستان، «مردان» ساخته ببتن قبادی به‌عنوان نماینده عراق و فیلم «نیات» با بازی فاطمه معتمدآریا به‌عنوان نماینده آذربایجان نیز در بین ۸۳فیلم فرستاده شده بودند که البته در بین نامزدها قرار ندارند. لیست نامزدها تقریبا با پیش‌بینی‌ها در این بخش جور درمی‌آید جز غیبت فیلم تحسین‌شده «خواب زمستانی» از ترکیه به کارگردانی نوری بیلگه جیلان که نخل طلای سال گذشته را به خود اختصاص داده بود.

افسوس برای امروز

«امروز» میرکریمی در حالی از «اسکار» جا ماند که کارشنانسان پیش از این درباره شکست احتمالی این فیلم هشدارهای لازم را داده بودند. از همان روز معرفی این فیلم به «اسکار»، این هشدار داده شد که بضاعت سینمایی ایران در سال۹۳فقط فیلم‌هایی چون «امروز» نیست. طی یک سال گذشته فیلم‌هایی در سینمای ایران معرفی شدند که توانایی رقابت در عرصه «اسکار» را داشتند. اگر مجوز اکران به موقع فیلم‌هایی چون «خانه پدری»، «شیار ۱۴۳»، یا «عصبانی نیستم» زودتر صادر و شرایط برای اکران آنها مهیا می‌شد، ممکن بود نماینده مطمئن‌تری برای ارابه به «اسکار» داشته باشیم. فیلم «ماهی و گربه» و «قصه‌ها» دو فیلمی بودند که خبر موفقیت‌های آن‌دو را در جشنواره‌های مختلف شاهد بوده‌ایم. قصه‌ها در هفتادویکمین دوره جشنواره ونیز توانست جایزه بهترین فیلم‌نامه را بگیرد و مورد توجه منتقدان قرار گیرد. ماهی و گربه، شهرام مکرری را هم شاید بتوان پرافتخارترین بضاعت سینمای ایران طی سال گذشته دانست. «قصه‌ها» که در جشنواره ونیز خوش درخشید، پخش‌کننده خارجی داشت. پخش‌کننده فیلم «ماهی و گربه» هم یک شرکت خارجی بود. این مساله مزیت این دو فیلم در موفقیت احتمالی در «اسکار»۲۰۱۵ تلقی می‌شد.

ایوبی: «اسکار» مساله اصلی سینمای ایران نیست

اما غیبت نماینده ایران در فهرست کوتاه‌شده «اسکار» بهترین فیلم خارجی، سوزه خبرنگاران در حاشیه مراسم معارفه سربرس‌ت جدید بنیاد فارابی بود. رییس سازمان سینمایی ۲۹ آذر در جمع خبرنگاران درباره انتخاب‌نشدن این فیلم در بخش بهترین فیلم خارجی «اسکار»۲۰۱۵گفت: انتخاب فیلم «امروز» نظر هیات انتخاب بود و من نیز آن را قبول کردم. اما امروز اتفاق بد بزرگی نیفتاده است، زیرا «اسکار» مساله اصلی سینمای ایران نیست.